

سوالات فصل اول

- ۱- از کسانی که اخیراً حج رفته‌اند در مورد فضاهای آنجا و احساسی را که دارند سؤال کنید و آنرا خلاصه بنویسید.
- ۲- چگونه می‌شود تا حدودی فضای مکه و مدینه را بدون آنکه آنجا رفته باشید درک کنید؟ توضیح دهید.
- ۳- فضای یک بخش از مناسک حج را پس از مطالعه انتخاب نموده آنرا بیان کنید (به هر طریق که بهتر می‌دانید).
- ۴- سعی کنید آنچه را که در حرم امام رضا (ع) دیده‌اید بنویسید. از مناسبترین کلمات و کمترین تعداد کلمه برای بیان آنها استفاده کنید.
- ۵- سعی کنید این بار که به حرم می‌روید انواع فضاها را ببینید.
- ۶- به انتخاب خود یک فضائی را در حرم یا مسجد بطور خلاصه توصیف کنید.

با توجه به مطالب فصل اول بگویید :

- ۷- چه وقت، چه قدر و چه بخشی از فضا را می‌شود طراحی کرد؟
- ۸- معمولاً کدام بخش از فضا و توسط کدام افراد ساخته می‌شود؟
- ۹- چند فضای قابل طراحی و چند فضای غیر قابل طراحی را نام ببرید.
- ۱۰- فکر کنید خاطرات در ایجاد فضا چه نقشی دارند چند مثال بیاورید.

برای مطالعات بیشتر می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید.

- ۱- ارض ملکوت - کالبد انسان در روز رستاخیز از ایران مزدایی تا ایران شیعی از هنری کوربن، ترجمه سیدضیاء الدین دهشیری
- ۲- شهر اسلامی از پرفسور نجم‌الدین بemat ترجمه دکتر محمدحسین حلیمی و منیره اسلامبولچی

فصل دوم

تشکیل فضا، فضای عبادت

- ظرف و مظرّف و رابطهٔ بین آنها
- عوامل تأثیرگذار و عناصر تشکیل دهندهٔ فضا
- فضای پر. فضای بین
- عناصر اصلی در مساجد
- فضاهای اصلی دو مسجد ایرانی
- حسن اختتام

ظرف و مظروف و رابطه بین آنها

در این جا لازم است به معنای دو کلمه ظرف و مظروف یا قالب و محتوا توجه کنیم.

اگر معنایی بخواهد قابل فهم شود، یعنی مفهوم شود لازم است از طریقی خود را معرفی کند یا بشناساند. لذا قالب مناسبی را برای معرفی خود انتخاب می کند. در این صورت معنا که حالا محتوا یا مظروف این قالب یا ظرف است می تواند مفهوم شود.

از مهم ترین وظایف هنرمند (به معنای عام کلمه) خلاق و متفکر، انتخاب یا ساختن ظرف های متناسبی است برای بیان یا مفهوم کردن معانی خاص، ذکر این نکته حائز اهمیت است که هر قدر تناسب بین قالب و محتوا بیشتر باشد، معنا زیباتر بیان و مفهوم می شود. به عبارتی ظرف هر قدر در ارتباط با معنا متناسب تر و زیباتر باشد، بیانی روان تر و ساده تر در انتقال معنا دارد.

ممکن است ظرفی بسیار زیبا از نظر تناسب سمعی یا بصری ساخته شود، ولی مناسب مظروفش نباشد.

برای توضیح بیشتر از چند مثال ساده شروع می کنیم: یکی از ساده ترین قالب ها برای بیان یک معنا، کلمه است. اگر کلمه یا کلمات درست انتخاب شوند (گاهی به تشریح و گاهی به نظم) می توانند حامل و ناقل معنای اصلی خود باشند.

– برای ایجاد کتابخانه چه فضایی مناسب است. برای طراحی کتابخانه لازم است ابتدا به نکات زیر توجه کرد:

آرامش و سکوت در فضا، نور کافی و مناسب، هوای کافی و تهویه خوب، مصالحی که تا حد ممکن عایق صدا از داخل و بیرون باشند، رنگ آرام بخش و ...

حالا اگر معماری فضایی ساخت که فاقد نکات بالا بود، ظرف مناسبی برای مظروفش (کتابخانه) طراحی نکرده است.

– برای نوشیدن آب کدام ظرف مناسب است. لازم است به نکات زیر برای انتخاب یا طراحی توجه شود:

راحت در دست جای بگیرد، سنگین نباشد، حتی الامکان شفاف باشد، حجم آن به اندازه ای باشد که تشنگی را رفع کند، خوب شسته شود، حمل و نقل آن آسان باشد، بسته به آن که کجا

استفاده شود، در استحکام، قیمت و نظایر آن دقت شود و حالا اگر به جای رعایت خواسته های بالا ظرفی بدون توجه به آنها ساخته شد، ظرف مناسبی است؟

۱- ساختمانی قدیمی، بسیار زیبا و مناسب برای سکونت در زمان گذشته ساخته شده است آنرا برای ساکنین امروز (این زمان) بطور مناسبی تغییر می دهیم. نوع استفاده هر دو مسکونی است. اما شیوه زندگی امروز با دیروز تغییر کرده است.

۲- ساختمانی با مشخصات مسکونی و قدیمی برای نمایشگاه، موزه، مرکز فرهنگی و نظائر آن تغییر عملکرد داده و در نتیجه، تغییر در فضاهای آن پیدا می شود تا برای عملکرد جدید متناسب باشد.

– فرمانی از طرف سرداری برای فرماندهان نظامی صادر شده است تا فوراً اقدام کنند:

اگر فرمان به خط شکسته نستعلیق، غبار یا کوفی تزیینی نوشته شود، می گوئیم قالب (خط) با محتوا (فرمان) تناسب ندارد زیرا به سرعت مفهوم نمی شود. مثال های فراوانی وجود دارد درباره لباسی که متناسب با شخصیتی نیست یا رفتاری که به شخصی نمی آید و

نکته مهم: هر قدر تناسب بین ظرف و مظروف بهتر برقرار شود، ناظر یا مخاطب رابطه بیشتری با مظروف از طریق ظرف برقرار می کند و احساس خوش آیندی نسبت به فضای ایجاد شده خواهد داشت.

گاهی ظرف ها قابلیت پذیرش مظروف دیگری را دارند مانند کلمه با معانی متفاوت و قالب های شعری.

توضیح: بحث راجع به معنا، محتوا و قالب ابعاد عمیق و وسیعی دارد که وجوه عرفانی و فلسفی آن در این کتاب وارد نشده است. زیرا مراتبی وجود دارد بین معنا در حالتی که ظهور نکرده است و در حالتی که به صورت محتوا و در قالبی بروز کرده است. همواره راه دسترسی به معنا آسان نیست و لازم است فرد با ممارست و ریاضت و تزکیه خود را ظرف آن قرار دهد و ... لذا در این کتاب به عرصه های محدودی از معنا که قابلیت ارائه و بروز را دارند، اشاره شده است.

عوامل تأثیرگذار و عناصر تشکیل دهنده فضا

لازم است چند کلمه را تعریف کنیم:

عوامل: واقعیت‌ها و اطلاعاتی هستند که در فضا تأثیر

کرده، نوع و ویژگی‌های آن‌را تعریف می‌کنند.

مانند: عامل فرهنگ، اعتقاد، سیاست، اقتصاد، برنامه

و ...

عناصر: اجزاء و موادی هستند که از طریق حواس قابل

درک بوده و عمدتاً قابل اندازه‌گیری ثابت یا متغیر هستند. مانند:

عناصر بصری، سمعی، بویایی و ...

(تعاریف در این صفحه تعاریفی قراردادی است.)

فضا مجموعه‌ای از عوامل و عناصر است که شرایطی را

برای ایجاد نوعی زندگی فراهم می‌آورد. با تغییر هر عامل یا

عنصری، فضا می‌تواند به طور محسوس یا نامحسوس تغییر کند.

فضا مانند موجودی زنده است و صفات و حالات انسان را به

خود می‌گیرد. برای مثال ما صحبت از فضای شاد، غمگین،

سنگین، باوقار، محترم، عصبی، راحت، دلگیر و دل‌باز می‌کنیم.

اگر تصمیم گرفته شود در هر محله‌ای بهترین آزمایشگاه یا

بهترین فضای تدریس تاریخ و جغرافیا با بهترین امکانات و معلمینی

ساخته شود و بعضی دروس بجای آنکه همه در یک کلاس تدریس

شود بنا به نیاز مدارس در ساختمانهای جدید که بمنظور تدریس

همان دروس آماده شده‌اند ارائه شوند. فضای ارائه آن دروس

تخصصی نسبت به قبل تفاوت خواهد کرد. علت تفاوت عامل

ایجاد فضای جدید و برنامه جدید و عناصر لازم برای ایجاد فضای

مناسب آن درس خواهد بود.

فضای پُر. فضای بین

کلمات فوق با چند سؤال و مثال معنی می‌شوند:

سؤال ۱: در یک «کوچه» دیوارهای آن، کوچه هستند یا

آنچه بین دیوارها هست؟

سؤال ۲: در کلاس درس، دیوارها و سقف و کف، کلاس

هستند یا آنچه بین دیوارها و سقف و کف هست؟

سؤال ۳: در یک شهر، ساختمان‌ها شهر هستند یا فضای

بین آنها؟

حتماً جواب می‌دهید، هر دو زیرا یکی بدون دیگری وجود

ندارد. پس اشاره به دو چیز کرده‌ایم، دیوارها به معنای فضای پر

و بین آنها به عنوان فضای بین. در یک شهر، ساختمان‌ها فضای

پر و بین آنها (خیابان‌ها، پارک‌ها و فضاهای خالی و ...)

فضای بین. باید توجه داشت که ساختمان‌ها در شهر فضای پر به

حساب می‌آیند اما خودشان در داخل، فضای بین و فضای پر

دارند.

چون به دو چیز اشاره شد، لازم است ویژگی‌های هر کدام

بیان شود.

فضاهای پر معمولاً ثابت هستند و محدوده و شکل و اندازه

و تا حدودی نوع فضا را معین می‌کنند. اما فضاهای بین معمولاً

انعطاف‌پذیر هستند. زندگی در این فضا جریان دارد، تغییرات و

جابجایی‌ها در این فضا صورت می‌گیرد. اگر چه فضای پر در

کیفیت فضای کل بسیار مؤثر است، اما فضای بین می‌تواند کیفیت

فضا را کاملاً تغییر دهد.

برای مثال اگر صندلی‌ها و میزهای کلاس را برداریم و

به جای آن فرش پهن کنیم و عده‌ای خارجی را در آن سکنا دهیم

فضا تبدیل به فضای جدیدی خواهد شد.

اگر در میدانی قدیمی، در وسط آن ساختمانی بلند مرتبه

بسازیم فضا کاملاً تغییر می‌کند.

اگر مبلمان یا تزئینات فضایی تغییر کند، اگر رنگ دیوارها

یا رفتار آدم‌های فضای بین، هوا، صدا و گرما یا سرما تغییر کند،

فضا تغییر خواهد کرد.



مسجد شاه خالد، فرودگاه بین‌المللی ریاض در ۱۹۸۳ کامل شده است.

مسجد جدید و مرکز فرهنگی اسلامی در رُم (دو عکس بالا)

اضافه شدن تکنولوژی مدرن به مسجد النبی بدون آن که به فضای اصلی لطمه بزند.

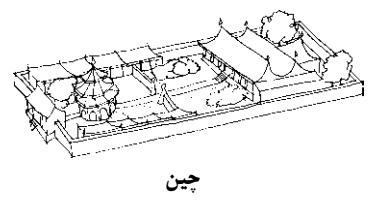
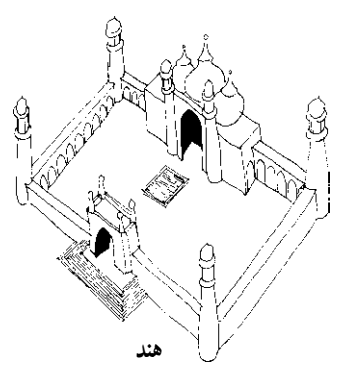
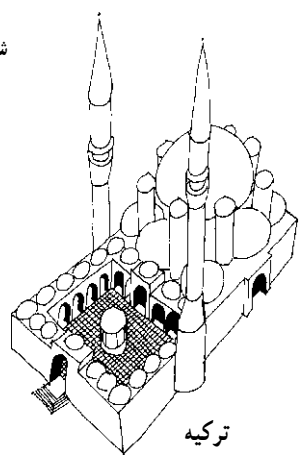
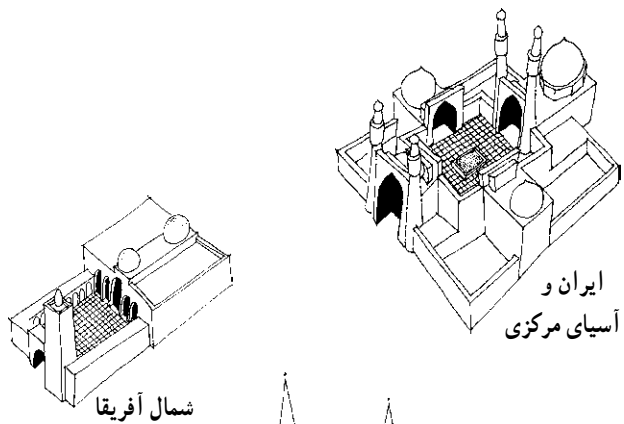


عناصر اصلی در مساجد

به دلیل قدمت زیاد مذاهب، پیدا کردن زمان دقیق طرح معابد آسان نیست. مردم فضایی را لازم داشته‌اند تا متناسب با نوع عبادتشان باشد.

اسلام با خود معماری نیاورد اما به هر جای دنیا رفت، معماری آن سرزمین را به خدمت گرفت. همانطور که به ایران آمد و چهارطاقی‌های ساسانی را که از آن به عنوان مکان مقدس هم استفاده می‌شده برای گنبدخانه به کار گرفت. اما از آنجا که شکل عبادت تقریباً در مساجد مختلف، مشابه بوده است، فضاهای اصلی تقریباً شبیه به هم ایجاد شده‌اند. کشورهای عربی، ایران و ترکیه در تکامل و توسعه معماری مساجد نقش مهمی داشته‌اند.

در مقایسه تطبیقی مساجد در فرهنگ‌ها و اقلیم‌های مختلف علی‌رغم اختلاف‌های ظاهری در شکل و مصالح حتی در مساجد



مسجد بزرگ کوردوبا در جنوب اسپانیا

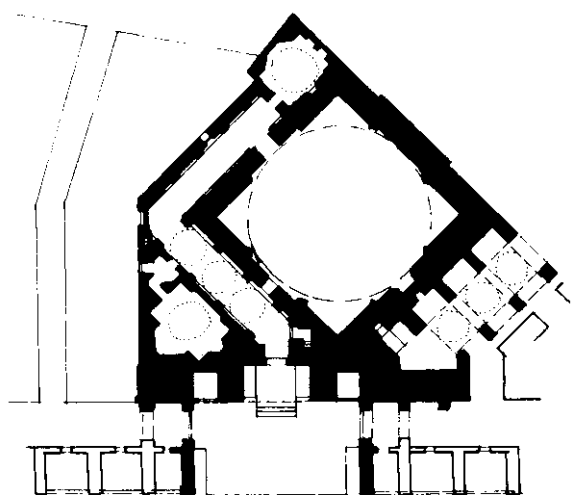
جدید با وجود تکنولوژی پیشرفته که دهانه‌های بزرگ مسطح و ستون‌های لاغر و فرم‌های مختلف را امکان‌پذیر کرده است. معهدنا هنوز بسیاری از معماران طراح مسجد ترجیح می‌دهند از اصول حاکم بر معماری سنتی در ایجاد فضاهای آشنا اگر چه با استفاده از امکانات تکنولوژی مدرن، پیروی کنند.



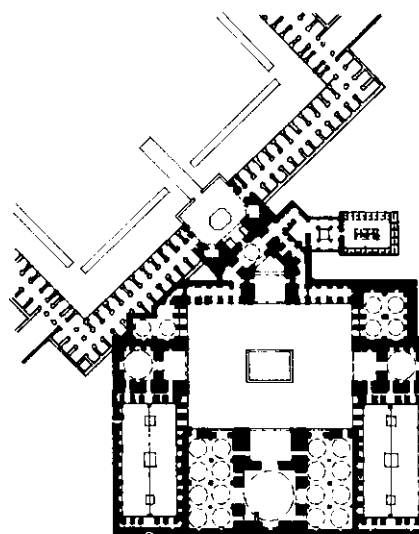
مسجد او-جی در چین، فضای اصلی داخلی قرن ۱۵



0 5 10
m



مسجد شیخ لطف‌الله...

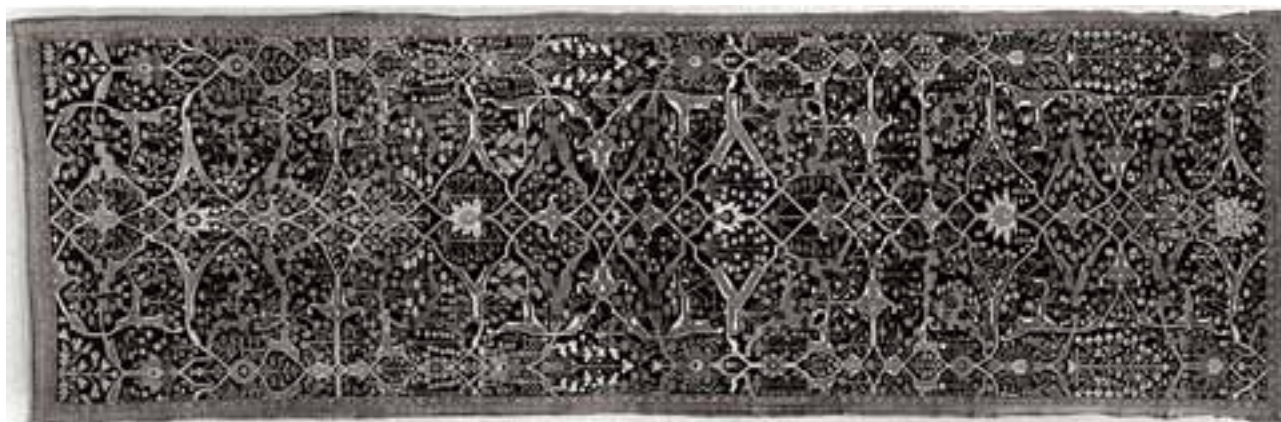


0 50
m

مسجد امام

مسجد با هم مقایسه کرده‌ایم، هر دو در کنار میدان نقش جهان واقع شده‌اند. حاصل مقایسه در جدول صفحه بعد نمایش داده شده است.

فضاهای اصلی دو مسجد ایرانی
دو نمونه از مساجد ایرانی را برای پیدا کردن فضاهای اصلی



نمونه فرش ایرانی، توجه شود به نقش روی گنبد بالای صفحه و نقش روی فرش. فرش‌های ایرانی با الهام از طبیعت خاطرات چند نسل را به هم پیوند می‌زنند.

گنبدخانه با فضایی که از بالای محراب و از طوق دور گنبد نور می‌گیرد، فضایی کاملاً روحانی ایجاد کرده است. فضای این مسجد در اسرع وقت کاملاً بر ما محیط می‌شود.

در مسجد امام ترتیب رسیدن از بیرون به گنبدخانه طولانی‌تر است و از دالان و حیاط می‌گذرد در حالی که در این مسیر فقط بخش‌هایی از مسجد نمایان می‌شوند، و مسجد بزرگ با کاشیکاری‌ها و تناسبات حساب شده‌اش و نقوش زیبا به صورت یک کل وحدت یافته، به تدریج بر ما محیط می‌شود.

توجه به کف و تعدد مصالح به کار رفته هم اهمیت دارد مصالح سخت تا نرم، فرش و آب هرکدام در جای خودش قرار دارد. زمانی که با کفش هستیم و زمانی که بدون کفش در هر حالت فضا را گونه‌ای دیگر احساس می‌کنیم. تماس پا با فرش یا سنگ از طریق تماس مستقیم پا با آنها و احساس صدای پا روی مصالح مختلف حائز اهمیت است.

نظم جهت‌دار: گنبدخانه مسجد که محل اصلی تجمع نمازگزاران است (به جماعت یا فرادی) معمولاً مکعبی است که گنبدی بر آن سوار است و زمین آن به خاک متصل است. این فضا دارای محور تقارنی است فرضی که مرکز زمین مکعب را (سطح مربع شکل) به مرکز گنبد وصل و آن را به سمت آسمان امتداد می‌دهد.

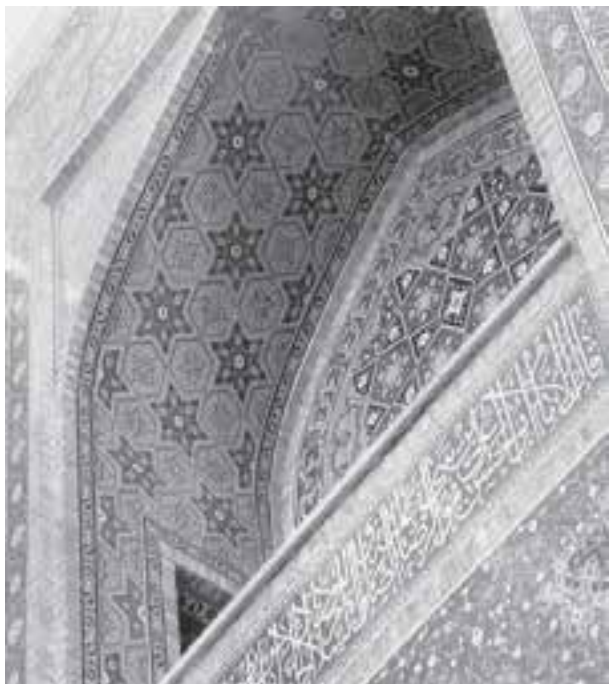
گنبد تمثیلی از آسمان و فرش کف (قالی) تمثیلی از باغ و بوستان است. اگر روی سطح گنبد و زیر آن هم مانند فرش کف، نقوش به نقش‌های هندسی و گیاهی باشد، یادآوری و تأکیدی است بر انعکاس نظم کیهانی بر زمین. معنی این نظم با محراب که در وجهی از مکعب روبه قبله دارد مفهوم می‌شود.

به دلیل وجود اشکال و احجام منتظم و در نتیجه ایجاد محور تقارن، مرکز، جهت قبله، نقوش هندسی و گیاهی مکرر و... و نظم جهت‌دار نمازگزاران و گفتن ذکر که تکرار آن توسط آنها مجموعه یک پارچه‌ای را می‌سازد که نتیجه آن احساس وحدت و قداست در فضای ایجاد شده است.

| اسامی فضاها | مسجد امام | شیخ لطف‌الله |
|-----------------------|----------------|----------------|
| سردر ورودی | ۱ | ۱ |
| منار | ۴ | - |
| هشتی ورودی | ۱ | - |
| دالان | ۲ | ۱ |
| رواق | ۲ | - |
| حیاط | ۳ | - |
| حوض اصلی وسط حیاط | ۱ | - |
| ایوان | ۴ | - |
| گنبدخانه | ۱ | ۱ |
| محراب | ۱ | ۱ |
| شبستان | ۲ | - |
| وضوخانه | ۱ | ۱ |
| گلدسته | - | - |
| فضاهای جنبی | ۴ | - |
| کاشیکاری و تزئینات آن | تقریباً همه جا | تقریباً همه جا |

همانطور که پیداست ورودی اصلی، گنبدخانه، محراب و تدریج در ورود از بیرون به گنبدخانه (دالان) در هر دو وجود دارد. اغلب مسجدهای ایران واجد حداقل چند مورد از جدول فوق هستند مانند منار، وضوخانه و نظایر آن. لازم به توضیح است با آن که مسجد شیخ لطف‌الله حداقل فضاهای اصلی را دارد، معهدا در زمره شاهکارهای معماری مساجد است. مسجد با توننستگی ورودی، حریم پیدا کرده است، دالان تاریک به تدریج ما را از بیرون به درون می‌برد و در کنج راهرو نوری از شبکه‌ای وارد می‌شود که ما را به سمت وضوخانه و گنبدخانه هدایت می‌کند.





ساختمان به آن تمام می‌شود. کف اطاق‌ها ممکن است با سنگ یا کاشی فرش شود و به این عمل که کار را از نظر بصری تمام می‌کند حُسن اختتام یا حسن ختام می‌گوییم، نه هر تمام شدنی، بلکه خوب تمام شدن و گرنه کار تمام نشده است.

حسن اختتام

در معماری، هر کاری با مصالح و با جزئیات خاصی تمام می‌شود. مثلاً نما ممکن است کاشی شود یا آجر. روی دست انداز بام‌ها ممکن است سنگ، آجر یا ورق آهن گذاشته شود، پس



انعکاس و شفافیت

در این دو صفحه، با بعضی حسن ختام‌های مهم آشنا می‌شویم. هرکدام از آنها یا برق می‌زنند (نور را منعکس می‌کنند) یا نور از آنها عبور می‌کند و پشتشان هرچه باشد به صورت خاصی دیده می‌شود. اما چگونه؟

در معماری گذشته ما، اغلب اجزای ساختمانی و مصالح مختلف را نه فقط برای زیبایی بلکه برای خاصیتی که داشته‌اند، به کار می‌گرفتند. برای مثال: حوض و فواره برای ایجاد رطوبت در هوای گرم و خشک کویری و برای وضو گرفتن. ایوان‌ها برای ایجاد فضای مناسب در زمان‌های آفتاب و سایه در تابستان و زمستان برای نماز و گفتگو در مسجد و استراحت در منزل. کاشی عایق خوبی برای رطوبت و مصالح خوبی برای تمیز شدن و ایجاد زیبایی در فضا. قوس و منار برای نگهداشتن نیروی عمودی و جانبی و نشانه‌ای زیبا برای دیدن مسجد در شهر (هادی) و مأذنه‌ای برای اذان.

اما همه اینها در یک نظام متناسب و بسیار چشم‌نواز و پرمعنا قرار گرفته‌اند، آنچنان موزون که اگر قدری تأمل کنید، صدای گوش‌نواز آن را هم خواهید شنید، صدای قرآن، صدای برگ‌ها، صدای راه رفتن‌ها و صحبت‌ها و همه‌ها، صدای بازی بچه‌ها و صدای پرنده‌ها و خیلی صداهای دیگر که باهم یک فضای کل را می‌سازند حتی نقوش و تناسبات ساختمان هم در موسیقی فضا شرکت می‌کند. شفافیت و خرد شدن سطوح بزرگ به اجزای کوچک‌تر با تناسب خوب، سنگینی توده ساختمان را از بین می‌برد و آن را سبک کرده احساس شعف دست می‌دهد. در این جا، نور با ساختمان یکی می‌شود و آن را یک پارچه می‌کند.

در شب، نور چراغ‌ها در سطوح براق می‌افتد و فضای دیگری ایجاد می‌شود که با روز بسیار تفاوت می‌کند. خواهید دید که وقتی منبع نور تغییر می‌کند و نور موازی روز به نور مخروطی شب تبدیل می‌شود چگونه فضا تغییر می‌کند؟

